

رابطه منافع ملی و امت واحده اسلامی با تأکید بر اندیشه امام خمینی علیه السلام

اسماعیل بیدار*

محمدعلی لیالی**

چکیده

وحدت سیاسی مسلمانان از دغدغه‌های مصلحان از جمله، حضرت امام خمینی علیه السلام بوده است. چرا که موجب افزایش قدرت و ارتقای جایگاه مسلمانان در نظام بین‌الملل می‌شود. از طرفی با توجه به سیستم دولت-ملت حاکم بر جهان، «منافع ملی» اصول راهنمای دولت‌ها در روابط بین‌الملل انگاشته شده و وانمود می‌شود تشکیل امت واحده اسلامی با منافع ملی کشورهای اسلامی در تضاد است. هدف پژوهش حاضر بررسی جایگاه امت واحده اسلامی، منافع ملی و رابطه بین منافع ملی و تشکیل امت واحده اسلامی در اندیشه امام خمینی می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد دو مفهوم امت واحده اسلامی و منافع ملی افزون بر آن که با یکدیگر پیوستگی و ارتباط عمیقی دارند. ضامن حفظ منافع ملی کشورهای اسلامی نیز می‌باشد.

واژگان کلیدی

منافع ملی، اندیشه امام خمینی، دولت - ملت، امت واحده اسلامی.

*. دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ انقلاب اسلامی دانشگاه بین الملل امام خمینی قزوین.

esmaeilbedar@gmail.com

layali.ir@gamil.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۶

** استادیار پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی و مدرس گروه معارف اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶

۱. طرح مسئله

مفهوم «امت واحده» عبارت است از یگانگی و اتحاد مسلمانان و عدم تأثیر مرزبندی‌های سیاسی و جغرافیایی و مذهبی و... در تفکیک میان این‌ها به گونه‌ای که هر مسلمانی که اعتقاد به وحدانیت خدا و رسالت نبی مکرم اسلام ﷺ دارد جزء این امت بوده و همگان باید تلاش کنند تا امت واحده اسلامی بر مبنای اشتراکات میان فرق مختلف مسلمان ایجاد شود و این چیزی است که در چند بخش از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز متجلی شده است. در مقدمه قانون اساسی چنین آمده است:

قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند به‌ویژه در گسترش روابط بین‌المللی، با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند (ان‌هذه امتکم امه واحده وانا ربکم فاعبدون) و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد.

در اصل ۱۱ قانون اساسی آمده است:

به حکم آیه کریمه «ان‌هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون» همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.

طراحی امام خمینی ره برای رسیدن به اتحاد اسلامی متشکل از دو لایه، جنبش فرهنگی، فکری و جنبش سیاسی، عملی می‌باشد. یقیناً دستیابی به امت واحده اسلامی بدون شکل‌گیری زیرساخت‌های نظام سیاسی سرزمینی و فرا سرزمینی امکان‌پذیر نیست.

بنابراین امروزه منظور از اصطلاح امت واحده در ادبیات سیاسی رایج جهان اسلام یعنی مجموعه‌ای متشکل از همه مسلمانان فارغ از اختلافات مذهبی می‌باشد به همین جهت به منظور بررسی تحقق این منظور لازم است راهکارهای وحدت جهان اسلام مورد ارزیابی قرار گیرد.

این در حالی است که مدرنیته هم‌زمان با رشد و سیر مراحل تکامل خود به ناسیونالیسم و دولت ملی می‌رسد و بعداز آن همه‌ی دولت‌های ملی را هماهنگ با تفکر خود می‌خواهد یعنی در عین اینکه دولت ملی را به رسمیت می‌شناسد اما زیر چتر تفکری واحد با ارزش‌ها و آرمان‌های یکسان که محصول اندیشه مدرن (مدرنیته) است. «دورانی که ما مدرن می‌خوانیم با این حقیقت تعریف می‌شود که انسان محور و مرکز تمام هستی است. در این تفکر قانون‌گذار انسان است و جایی برای حکومت دینی و قانون شریعت

نیست». (احمدی، ۱۳۷۷: ۸۵) در نتیجه ارزش‌ها و آرمان‌های دینی از جمله اتحاد و امت واحده اسلامی به‌عنوان سازنده هویت و موجودیت جوامع اسلامی تضعیف می‌شود. تشکیل امت واحده اسلامی در تضاد با منافع استعمارگران است. در این راه موانع متعدد ایجاد می‌کنند و سعی در منحرف کردن افکار عمومی و هسته‌های تصمیم‌ساز کشورهای اسلامی از ارزش‌ها و آرمان‌های اصیل خود دارند تا بتوانند منافع بلندمدت خود را تضمین کنند. بنابراین فرض ما بر این است که تضمین و امنیت منافع ملی تک تک کشورهای اسلامی از جمله جمهوری اسلامی ایران در درازمدت بستگی به اتحاد مسلمانان و تشکیل امت واحده اسلامی دارد؛ و اینکه وحدت مسلمانان از مبانی اندیشه امام خمینی علیه السلام می‌باشد.

براین اساس مقاله حاضر سعی دارد به بررسی جایگاه منافع ملی و امت واحده و رابطه بین این دو مفهوم در اندیشه امام خمینی بپردازد تا بتواند با آشنایی با اندیشه امام خمینی به راهبردی برای دفاع از منافع و مصالح مسلمانان و جهان اسلام که تشکیل امت واحده اسلامی می‌باشد، ارائه کند.

۲. مفاهیم

۱-۲. منافع ملی

«منافع ملی در مفهوم جامعه‌شناسی، واقعیتی عمومی و دائمی است که از سوی کشورهایی که خواهان حفظ هویت خود در چارچوب مرزها، مردم و حکومت خویش هستند، عنوان می‌شود» (هوتتزینگر، ۱۳۶۸: ۱۹۰) زمان پیدایش این مفهوم هم‌زمان با ظهور دولت ملی است و می‌توان چنین بیان کرد «از هنگام عقد قرارداد «وستفالی» در سال ۱۶۴۸، منافع ملی جایگزین منافع دیگر شد». (سریع القلم، ۱۳۷۲: ۷۰) هانس مورگنتا، از اندیشمندان مشهوری است که به تجزیه و تحلیل منافع ملی و آرمان‌ها پرداخته، در تعریف منافع ملی می‌گوید: «منافع ملی، معیاری ابدی است که به وسیله آن، اقدام سیاسی مورد داوری و هدایت قرار می‌گیرد، وی بر این نکته تأکید می‌کند که اهداف سیاست خارجی باید در قالب منافع ملی تعریف شود». (مورگینتا، ۱۳۷۴: ۵۶۵) برخی از اندیشمندان نیز در تعریف منافع ملی چنین اظهار نظر کرده‌اند: «منافع ملی؛ یعنی اینکه هر چیزی که تنها از حیث سودی که برای ملت دارد، ارزشمند است». (روشندل، ۱۳۹۴: ۳۸) «هر واحد سیاسی جهت دفاع از موجودیت و حرکت خود منافی را تعیین می‌کند و در مقام ایجاد امنیت برای آن‌ها برمی‌آید». (قوام، ۱۳۷۷: ۲ - ۱)

ارگانسکی انواع اهداف و منافع ملی را چهار دسته می‌داند. «می‌توانیم کلیه اهداف ملی را به چهار دسته تقسیم کنیم: قدرت، ثروت، صلح و امنیت، ترقی و بسط فرهنگ». (ارگانسکی، ۱۳۵۵: ۷۱)

هالستی نیز در تقسیم‌بندی خود از منافع و اهداف ملی چنین می‌گوید:

هدف‌های «ضروری و اختیاری» هدف‌های «حیاتی و غیر حیاتی» و هدف‌های «کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت». هدف‌هایی اختیاری هستند که شکست توافق با دولت‌های دیگر امنیت واحد سیاسی را به خطر نمی‌اندازد. هدف‌های حیاتی هدف‌هایی هستند که بدون آن‌ها یک واحد سیاسی نمی‌تواند دیگر اهداف را دنبال کند. منافع و ارزش‌های حیاتی غالباً با حفظ موجودیت یک واحد سیاسی بیشترین ارتباط را دارند. (هالیستی، ۱۳۷۳: ۲۲۱)

وی هدف‌های بلندمدت را به نحو زیر توضیح می‌دهد: «در تعقیب هدف‌های بلندمدت، درخواست دولت‌ها معمولاً جهانی است، زیرا اهداف آن‌ها از بازسازی کل نظام بین‌المللی طبق یک طرح جهانی چیزی کمتر نیست» «آرزوهای بلندمدت در مورد شکل نهایی نظم جهان، تنها موردنظر معدودی از دولت‌هاست». (همان: ۲۲۱)

دریافتیم که منافع ملی از آرمان‌ها، اهداف و دیگر عناصر مشابه متمایز نیست. البته افق اهداف و آرمان‌های دولت - ملت‌های برآمده از اندیشه مدرنیته صرفاً سود دنیایی، مادی و محسوس را شامل می‌شود؛ اما منافع ملی دولت اسلامی که در قانون‌گذاری، اهداف و نظام‌سازی تابع شریعت می‌باشد اعم از منفعت دنیایی و آخرتی، مادی و غیرمادی می‌باشد. منظور ما از منافع ملی اهداف و آرمان‌های یک جامعه و همچنین ابزار و امکانات موردنیاز برای دستیابی به آن اهداف و آرمان‌ها را شامل می‌شود که متأثر از باورها و ارزش‌های حاکم بر آن جامعه می‌باشد. منافع ملی در شکل‌دهی به سیاست داخلی و خارجی و رفتارهای سیاسی دولت‌ها تأثیری همه‌جانبه دارد و معیاری برای موضع‌گیری‌های سیاسی، توجیه و یا رد آن سیاست‌ها است.

۲-۲. ناسیونالیسم - ملیت، ملی‌گرایی

«تاریخ دقیق شروع احساسات ملت ستایی (ناسیونالیسم) هنوز به‌درستی معلوم نیست. ولی می‌دانیم چندان قدیمی و کهنه هم نیست. زیرا ناسیونالیسم به‌صورت امروزی در عصر رومیان و یونانیان قدیم وجود نداشت در قرون وسطا هم دیده نمی‌شود». (ارگانسکی، ۱۳۵۵: ۴۴)

مفهوم ناسیونالیسم nationalism در لغت عبارت است از: ملی‌گرایی، وطن‌پرستی و استقلال‌طلبی. (نوروزی خیابانی، ۱۳۷۰: ۳۱۶)

این واژه در اصطلاح عمدتاً دو نوع کاربرد دارد «در تاریخ اندیشه سیاسی، اصطلاح ناسیونالیسم گاه به جنبشی اطلاق می‌شود که از استقلال و آزادی ملتی در برابر متجاوز بیگانه حمایت می‌کند، گاه به تافته جدا یافته بودن یک ملت و یا به‌صورت افراطی به برتری ملتی بر سایر ملت‌ها اطلاق می‌گردد و ممکن

است در معانی دیگری هم به کار رود». (عنایت، ۱۳۷۲: ۱۹۸) وجه اشتراک این دو رویکرد به گرایش‌های ناسیونالیستی جدایی دین از سیاست و توجه به ملیت و نژاد به جای ارزش‌های دینی و الهی می‌باشد. تفکر و گرایش‌های ناسیونالیستی بر مبنای جدایی دین از سیاست استوار است و به جای ارزش‌های اسلامی صرفاً به منافع و خواست «ملت» توجه دارند؛ بنابراین، در تقابل میان ارزش‌های اسلامی و خواست ملی از ارزش‌های اسلامی صرف‌نظر می‌کنند. (داوری، ۱۳۶۰: ۳۲)

ناسیونالیسم در معنای اول معتقد به یک مکتب و گرایش فکری به برتری نژاد و ملت و حاکمیت آن نسبت به نژادها و ملت‌های دیگر جهان است. (آقابخشی، ۱۳۶۳: ۱۷۲) سرچشمه این تعریف از ناسیونالیسم به کشورهای اروپای غربی برمی‌گردد. «دولت‌های اروپایی که در سده نوزدهم و بیستم بوجود آمدند محصول ناسیونالیسم بودند. آن‌ها، نه بر پایه تمایلات پادشاهی، بلکه حول محور تمایزات قومی، مذهبی و زبانی موجود در اروپا سازمان یافتند». (هالیستی، ۱۳۷۳: ۹۴)

ناسیونالیسم در معنای دوم از ترکیب سه عنصر که عبارتند از حق آزادی ملل، حق استقلال ملل و حق حاکمیت آن‌ها بر سرنوش خود، شکل می‌گیرد. در این نگاه، ناسیونالیسم عبارت است از نهضتی که از آزادی و استقلال یک ملت در برابر رژیم استبدادی و تجاوز خارجی حمایت می‌کند. (فرهپخته، ۱۳۷۷: ۱۷۳) این تعریف از ناسیونالیسم بیشتر به کشورهای جهان سوم و مستعمره برمی‌گردد. «این نوع ناسیونالیسم بیشتر با ارزش‌های آزادی‌بخش همراه بوده که هدف عمده آن، مبارزه با استعمار و امپریالیسم و ایجاد حکومت‌های ملی مستقل بود. حرکت‌های ناسیونالیسم در جهان سوم را می‌توان از این نوع به حساب آورد». (سیاوشی، ۱۳۸۰: ۱۴)

برخی بر این باور هستند که ناسیونالیسم خدمات شایانی مانند وحدت برای بشریت به ارمغان آورده است. در این باره می‌گویند: «ناسیونالیسم یکی از مفاهیمی بود که به وحدت ملی و فرهنگی و هویت تاریخی ملل کمک شایانی کرد و مجموعه جغرافیایی، اقتصادی آن‌ها را از دیگران متمایز کرد و امکان بسیج عمومی را فراهم ساخت». (سریع القلم، ۱۳۷۱: ۱۵)

اما در پاسخ به این پرسش‌ها که آیا ناسیونالیسم باعث وحدت شده است؟ آیا جنبه انسان‌گرایانه داشته است؟ و یا اینکه برعکس موجب جنگ و نزاع‌های بین‌المللی گردید؟ باید گفت: در طول قرن نوزدهم، ... مخالفان ناسیونالیسم متقاعد شده بودند که این تحول به جای تضعیف رشته‌های اخلاق بین‌المللی، آن را تقویت می‌کند. زیرا بر این باور بودند که با ارضای آرمان‌های ملی ملل رها شده و استقرار حکومت مردم به جای حکومت‌های اشرافی، دیگر هیچ‌چیز نمی‌تواند ملل جهان را دچار تفرقه سازد. ملت‌ها با آگاهی از عضویت در جامعه مشترک انسانی و با الهام از آرمان‌های مشترک آزادی، تساهل و تسامح و صلح،

هماهنگ با یکدیگر، مقدرات ملی خود را تعقیب می‌کنند اما عملاً، پس از تحقق مادی روحیه ناسیونالیستی در دولت‌های ملی، ثابت شد که این روحیه جدید، جهان‌گرا و انسان‌دوستانه نیست بلکه خاص‌گرا و انحصاری است. (مورگینتا، ۱۳۷۴: ۴۰۶ - ۴۰۵)

نویسندگان دیگری نیز در بررسی‌های خود توضیح می‌دهند که چگونه شکل‌گیری ناسیونالیسم موجب جنگ بین ملت‌ها و حمایت متعصبانه مردم از این جنگ‌ها که نتیجه آن تلفات انسانی زیادی است شده:

ناسیونالیسم در پایان قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم، اروپا را مسلح کرده و دشمنی‌های بین‌دول را سبب شده و جنگ‌های اول و دوم جهانی را موجب گردیده است. در صورتی که توجه کنیم می‌بینیم قسمت عمده‌ای از درگیری‌های فعلی جهان را نیز ناسیونالیسم سبب شده است. ناسیونالیسم در اروپا، اواخر قرن نوزدهم صورت تجاویزگری به خود گرفت و با رقابت‌های نظامی و تجارتي و همچنین با گسترش‌گری و امپریالیسم به زبان دیگر ملت‌ها آمیخته شد. در قرن بیستم، ناسیونالیسم اروپایی یکی از عناصر اساسی فاشیسم و جنبش‌های توتالیتر شد. (هالیستی، ۱۳۷۳: ۹۹ - ۹۸)

اما درباره اینکه چگونه ناسیونالیسم به خشونت و سرکوبگری می‌انجامد و در نهایت به یک وطن‌پرستی بی‌معنا و عین بی‌عدالتی می‌رسد باید گفت:

ناسیونالیسم فقط یک معنی دارد ما به خود بگوییم که هیچ‌کس نیست، چون فرانسوی و آلمانی هستیم حق داریم به اعمالی دست بزنیم ... به نام ملت دست به هر کاری بزنیم. به مجرد اینکه قدرت شکست‌ناپذیر غیر فردی مانند ملت، حزب و طبقه خاص به میان آید دیگر راه بر روی هرگونه سرکوب گشوده است. (مورگینتا، ۱۳۷۴: ۴۰۸)

۲-۳. امت

از لحاظ لغوی، مفهوم «امت» از ریشه «ام، یوم» هم‌وزن «قصد، یقصد» می‌باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۸۶) اطلاق ام بر مادر نیز بدان جهت است که کودک در زمینه نیازمندی‌های خود یا به جهت احساس آرامش، او را قصد می‌کند. در واژه «ام»، حالت زاینده‌گی که در واژه «والده» وجود دارد نیست؛ بلکه مقصد و مقصود بودن و ملجأ بودن مادر، نسبت به فرزند مطرح است. براین اساس، «امت» به مجموعه‌ای از انسان‌ها اطلاق می‌گردد که هدف و مقصد واحدی آنان را گرد هم جمع نموده باشد. (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۱۷۲)

«امت»، ۶۴ بار در قرآن کریم در معانی مختلف به کار رفته است. «لویی گارده» فرانسوی معتقد است: «امت از ریشه خاص عربی است که در زبان‌های اروپایی نمی‌توان مترادفی برای آن یافت». (گارده، ۱۳۵۲: ۲۸۶)

«امت»، به «جامعه» در اصطلاح امروزی شباهت‌هایی دارد، ولی تفاوت‌های محسوس آن را نمی‌توان نادیده گرفت. «جامعه» در اصطلاح جامعه‌شناسی، گروه سازمان‌یافته‌ای از اشخاص و افراد انسانی هستند که با هم در سرزمین مشترک زندگی می‌کنند و با همکاری در گروه‌ها نیازهای اجتماعی ابتدایی و اصلی خود را تأمین می‌نمایند و با مشارکت در فرهنگی مشترک و یکسان به عنوان یک واحد اجتماعی از دیگر جوامع متمایز می‌شوند» (مساواتی، ۱۳۸۱: ۱۴۲) اما «امت»، به گروهی از انسان‌ها و گاهی به مناسبتی به یک نفر هم اطلاق می‌شود ... اصل کلمه از «ام» به فتح همزه به معنای «قصد» است و لذا به گروهی از مردمان اطلاق نمی‌شود، بلکه به جمعیتی گفته می‌شود که دارای مقصدی واحد بوده و به واسطه آن با یکدیگر مربوط و متحد شده باشند. (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۳۲۲) به عبارت دیگر؛ «امت» گروهی است که هدفی واحد آنان را گرد هم آورده است». (همان: ۱۷۳ - ۱۷۲) مطابق این تعریف هدف و مقصد واحد می‌تواند اعم از امور دنیوی و معنوی باشد.

۴-۲. امت واحده

«امت واحده» اصطلاحی قرآنی است که چندین بار در قرآن ذکر شده است و معانی متعددی از آن ارائه شده است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره‌ای است به آغاز کار انسان‌ها که در قالب جامعه واحدی بودند و پس از آن دچار اختلاف شدند و خداوند متعال به منظور رفع اختلافات میان آن‌ها پیامبرانی را برای آن‌ها فرو فرستاد نظیر این آیه:

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ
بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ. (بقره / ۲۱۳)

معنای دیگری که در قالب امت واحده از آن یاد می‌شود عبارت است از اشاره به حقیقت واحده‌ای که گاه از آن به نام «اسلام» یاد می‌شود و مبتنی بر اعتقاد به خدای واحد است که همه انبیاء الهی در هر زمان و مقطعی به آن فرا می‌خواندند و در نتیجه همه کسانی که به این حقیقت گرویدند علیرغم اختلاف زمانی و مکانی جزء امت واحده به‌شمار می‌آیند و این ملت‌ها هستند که این دین واحد را قطعه‌قطعه کرده و هرکدام خدا و اعتقادات دینی واحد را به شکلی مورد تفسیر قرار داده و در قالب دینی جدای از ادیان دیگر مطرح کردند که این آیه به همین مفهوم اشاره می‌کند: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون». (انبیاء / ۹۲)

در این آیات به مضمون اول سوره برگشت شده، زیرا در آن آیات بیان می‌فرمود که برای بشر معبودی است واحد و آن معبود همان کسی است که آسمان‌ها و زمین را خلق فرموده و لذا باید او را از

طریق نبوت و پذیرفتن دعوت انبیا پیروستند و با پرستش وی آماده حساب یوم الحساب شوند و نبوت جز به یک دین دعوت نمی‌کند و آن دین توحید است. همچنان که موسی و قبل از او ابراهیم و قبل از وی نوح و همچنین انبیاء قبل از نوح و بعد از موسی - مانند ایوب و ادريس و غیر آن دو از پیامبرانی که خداوند در قرآن به آنها اشاره کرده - همه به آن دعوت می‌کردند.

پس بشر امتی است واحده و دارای ربی واحد و آن خدای عز اسمه است؛ و دین واحد، و آن دین توحید است که در آن تنها خدا عبادت می‌شود. دعوت الهی همین است و بس، ولیکن مردم این دین واحد را قطعه‌قطعه کردند و خدایانی به‌جای خدا برای خود درست کردند و ادیانی غیر از دین خدا تراشیدند و به همین جهت اختلاف در میان خود پدید آوردند و هدف‌هایشان در دنیا و آخرت مختلف گشت. (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱۴ / ۴۵۴)

بنابراین آنچه امروزه با الگوبرداری و به تاسی از این آیات مبارک قرآن کریم از مفهوم «امت واحده» ارائه می‌شود عبارت است از یگانگی و اتحاد مسلمانان و عدم تأثیر مرزبندی‌های سیاسی و جغرافیایی و مذهبی و... در تفکیک میان این‌ها به‌گونه‌ای که هر مسلمانی که اعتقاد به وحدانیت خدا و رسالت نبی مکرم اسلام ﷺ دارد جزء این امت بوده و همگان باید تلاش کنند تا امت واحده اسلامی بر مبنای اشتراکات میان فرق مختلف مسلمان ایجاد شود و این چیزی است که در چند بخش از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز متجلی شده است.

۵-۲. وحدت

وحدت نیز در لغت به معنای اتفاق آرا و هماهنگی رأی‌ها می‌باشد. (معین، ۱۳۶۳: ۱ / ۲۳۸)

۳. اتحاد

اتحاد در لغت به معنای یکتایی و یگانگی است. یکی شدن و از ریشه «وحد» به مفهوم یکنرنگی، یکدلی، یک‌جهتی و یگانگی می‌باشد. (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۱۴۲) در اصطلاح نیز منظور از وحدت و اتحاد، آن است که همه مردم از هر رنگ و نژاد و قوم و قبیله که هستند، با هم همکاری داشته و در کنار یکدیگر باشند و مشکلات یکدیگر را حل کنند و بر علیه یکدیگر کارشکنی و خیانت نکنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ۲۲ / ۱۶۸) بنابراین امت واحده یعنی جمعیتی که هدف واحد و جهتی مشخص داشته باشد و امت واحده اسلامی در حقیقت رسیدن به هدف واحد اعم از دنیایی و اخروی با جهتی الهی که براساس کتاب آسمانی و پیامبر و دین واحد امکان‌پذیر است. نکته مهم اینکه خداوند متعال هم مسلمان‌ها را به‌عنوان امت واحد اسلامی معرفی نموده و فرموده است: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ

رابطه منافع ملی و امت واحده اسلامی با تأکید بر اندیشه امام خمینی □ ۲۲۷

فَاعْبُدُون؛ (انبیاء / ۹۲) به درستی که این امت شما امت واحدی هستید و من پروردگار شما هستم. پس مرا پرستش کنید». پیامبران بزرگ و پیروانشان، همه امت واحد و دارای دینی واحد بوده‌اند و توحید و وحدت کلمه، اساس کار همه ادیان الهی بوده است.

۱-۳. ماهیت وحدت

ماهیت وحدت در تفکر دینی، اعتصام به حبل‌الله است. خداوند متعال مسلمان‌ها را دعوت به اتحاد و اخوت نموده و هرگونه درگیری و یا تشتت آراء که منجر به تفرقه و فروپاشی اتحاد میان مسلمانان شود، مورد نکوهش قرار داده است می‌فرماید:

وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ عَلَيْهِمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ. (آل عمران / ۱۰۳)

و همگی به ریسمان خدا [یعنی: قرآن، اسلام و هرگونه وسیله وحدت] چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او، برادر شدید و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خداوند متعال شما را از آن نجات داد. این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد تا شاید پذیرای هدایت شوید.

در این آیه چنان که از فرمان الهی «واعتصموا» فهمیده می‌شود، وحدت و اتحاد و لزوم تمسک به ریسمان الهی، یک وظیفه الهی شمرده شده است و نیز واژه «جمیعاً» بیانگر این است که این اتحاد و وحدت، وظیفه همگان می‌باشد و جز با حرکت جمعی و مشارکت عمومی مردم تحقق نخواهد یافت. (مکارم، ۱۳۷۰: ۲۲ / ۱۶۸) در ادامه آیه نیز با نهی «ولا تفرقوا» دستور دوری و پرهیز از هر نوع تفرقه و اختلاف را که در میان صفوف مسلمانان چنددستگی به وجود می‌آورد، صادر نموده است و در آخر می‌فرماید: «ایجاد وحدت پس از تفرقه، و الفت میان دل‌ها و برادری میان افراد جامعه پس از دشمنی‌ها، از آیات و نشانه‌های خداوند برای بندگان می‌باشد». (مکارم، ۱۳۷۰: ج ۲۲ / ۱۶۸) از همین رو، خداوند می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ؛ (حجرات / ۱۰) مؤمنان برادر یکدیگرند. پس بین دو برادر خود صلح و آشتی دهید». چه تعبیر جالب و گیرایی که همه مؤمنان برادر یکدیگرند و نزاع و درگیری میان آن‌ها را درگیری میان برادران نامیده که باید به‌زودی جای خود را به صلح و صفا بدهد. (مکارم، ۱۳۷۰: ۲۲ / ۱۶۹) بنابراین اخوت اسلامی، یعنی همان روح برادری و اتحاد می‌باشد که باید در جامعه اسلامی حاکم باشد. روی این اصل اسلامی (برادری)، مسلمانان از هر نژاد و هر قبیله، و دارای هر

زبان و هر سن و سال، با یکدیگر احساس عمیق برادری می‌کنند؛ هرچند یکی در شرق جهان زندگی کند و دیگری در غرب.

قرآن کریم از سویی دیگر تفرقه و اختلاف را مورد نکوهش قرار می‌دهد و می‌فرماید:

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ.
(انفال / ۴۶)

[فرمان] خدا و پیامبرش را اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع و کشمکش نکنید که سست می‌شوید و قدرت [و شوکت] شما از بین می‌رود و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت‌کنندگان است.

با توجه به آیات فوق، می‌بینیم که خداوند با صراحت، مسلمانان را دعوت به وحدت و اتحاد نموده و از نزاع و تفرقه و اختلاف منع می‌نماید تا بتوانند در مقابل دشمنان، مانند دژی مستحکم بایستند. بدون تردید، ضعف‌ها و شکست‌های مسلمانان به خاطر عمل نکردن به این دستورات الهی بوده است. «باید در اطاعت و وحدت پایدار باشیم و اگر چیزی برخلاف میل ما بود یا برخلاف میل ما عمل شد، صبور باشیم و یکدیگر را تحمل کنیم که نصرت و امداد الهی برای صابران است». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰: ۲ / ۱۶۹)

۴. رابطه بین منافع ملی و امت واحده اسلامی در قانون اساسی

۴-۱. قانون اساسی و منافع ملی

منافع ملی موردتوجه تمام قوانین اساسی کشورها از جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. تکیه بر مفاهیمی همچون همبستگی ملی (اصل ۲) وحدت ملی (اصل ۹)، تقویت کامل بنیه دفاع ملی (اصل ۳)، تمامیت ارضی (اصل ۹) و حاکمیت ملی (اصل ۳) بدون تردید در راستای توجه خاص به منافع ملی می‌باشد.

بنابراین در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «امت» و «منافع ملت» موردتوجه توأمان قرار گرفته‌اند و به تعبیر دیگر به روشنی می‌توان ادعا نمود که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این دو اصطلاح به‌ظاهر مقابل یکدیگر را به رسمیت شناخته و قابل تحقق می‌داند.

۴-۲. قانون اساسی و وحدت امت اسلامی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول متعددی وحدت امت اسلامی و حمایت از مسلمانان در هر گوشه از جهان را موردتوجه قرار داده و آن را به‌عنوان یک وظیفه مهم و اساسی بیان نموده است: در اصل یازدهم قانون اساسی آمده است؛ «به حکم آیه کریمه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون»

همه مسلمانان یک امت اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پی گیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد».

اصل سوم قانون اساسی که مشتمل بر ۱۶ بند می‌باشد و یکی از اصول بسیار مهم قانون اساسی است که به بیان سیاست‌های مختلف دولت می‌پردازد. در آخرین بند این اصل، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف شده است همه امکانات خود را برای «تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان» به کار گیرد.

آنچه در بند ۱۶ اصل سوم بدان اشاره شده در فصل دهم که اختصاص به سیاست خارجی جمهوری اسلامی دارد با صراحت تمام بر آن تأکید گردیده و بیان می‌دارد که؛ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز با دول غیر محارب استوار است. (اصل ۱۵۲)

جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند. (اصل ۱۵۴) باتوجه به اصول یاد شده می‌توان نتیجه گرفت که از نظر قانون اساسی چون «همه مسلمانان یک امت اند»، «دفاع از حقوق همه مسلمانان» و حمایت «از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان» یکی از معیارهای قانون اساسی جمهوری اسلامی است و به همین جهت یکی از اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر با توجه به جایگاه اصل اسلامی «اخوت» و وحدت امت اسلامی و وجوب «دفاع از حقوق همه مسلمانان» می‌توان در این زمینه به اصل چهارم قانون اساسی که اصل مربوط به «حاکمیت دین» و در حقیقت مهم‌ترین اصل قانون اساسی و مادر همه اصول می‌باشد استظهار نمود که هرگونه قانون‌گذاری که در تعارض با وحدت امت اسلامی و موجب بی‌تفاوتی نسبت به وضعیت مسلمانان باشد با روح حاکم بر قانون اساسی سازگاری نخواهد داشت.

۳-۴. ملی‌گرایی و عدم رابطه بین منافع ملی و وحدت اسلامی

جریانات ناسیونالیستی و ملی‌گرایی در جهان اسلام از جمله ایران متأثر از اندیشه ناسیونالیسم و ملی‌گرایی - که بعضاً هدفمند تبلیغ و ترویج می‌شود و همچنان مورد حمایت قرار می‌گیرند - شکل گرفت و ادامه

پیدا کرد. ملی‌گرایی در جهان اسلام به دلیل هم‌راستا بودن با منافع ابرقدرت‌ها مورد حمایت قدرت‌های جهانی و سازمان‌های بین‌المللی قرار می‌گیرد. قدرت‌های جهانی و سازمان‌های بین‌المللی سعی می‌کنند با تقویت جریان‌های ملی‌گرا از طریق برانگیختن حس نژادپرستی، وطن‌دوستی و دامن زدن به اختلافات قومی و به قدرت رساندن آن‌ها، از وحدت امت اسلامی جلوگیری کرده و منافع بلندمدت خود را تأمین کنند. ناسیونالیسم و ملی‌گرایی برای دردهای جهان اسلام و عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی نسخه مناسبی نبود. حضرت امام علیه السلام خطر این گرایش‌ها را گوشزد نموده و آن را عامل تفرقه و جدایی بین ملت‌ها و سدی برای پیشرفت اسلامی معرفی کرده‌اند. ایشان در این باره می‌گویند:

... با دست حکومت‌های فاسد این نژادپرستی‌ها و گروه‌پرستی‌ها در بین مسلمین رشد کرده، عرب‌ها را در مقابل عجم‌ها، عجم‌ها را در مقابل عرب‌ها و ترک‌ها را در مقابل دیگران قرار دادند و همه نژادها را در مقابل هم. اینکه من مکرر عرض می‌کنم این ملی‌گرایی اساس بدبختی مسلمین است برای این است که این ملی‌گرایی ملت ایران را در مقابل سایر ملت‌های مسلمین قرار می‌دهد و ملت عراق را در مقابل دیگران و ... این‌ها نقشه‌هایی است که مستکبرین کشیدند که مسلمین با هم مجتمع نباشند. (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۲۶)

نظریه ملی‌گرایی اسلامی در ایران، بیشتر بر اهداف ملی و «خدمت به وطن از طریق اسلام» (بازرگان، ۱۳۶۱: ۲۹) نظر دارد. این نظریه مرزهای ملی را می‌پذیرد. «مشروعیت نظام، حدود و تصرفات حاکم اسلامی و نیز مشروع بودن هزینه امکانات و منابع ملی را به درون مرزهای ملی محدود می‌کند؛ و حمایت از مسلمانان را به حمایت اخلاقی و دیپلماسی رایج در مجامع بین‌المللی تعریف می‌کند.» (حقیقت، ۱۳۶۷: ۹۲)

۴-۴. وحدت و امت واحده اسلامی در اندیشه امام خمینی

یکی از ارکان و پایه‌های اصلی قدرت جمعی اعم از مجامع کوچک مثل خانواده و گروه‌های اجتماعی و مجامع بزرگ‌تر مثل کشور و امت اسلامی، وحدت در تمامی مراتب مانند وحدت کلمه و وحدت عقیده است. امام خمینی در این باره می‌فرماید:

یک جامعه‌ای که یک مقصدی دارد و می‌خواهد که آن مقصد را تا آخر ببرد و مقدماتش را فراهم کند و به نتیجه برسد، این جامعه را می‌شود تشبیه کرد (افراد جامعه و خود جامعه را) به قطرات و نهرها و سیل و دریا. قطره باران یکی‌یکی وقتی که ملاحظه بکنید، هر قطره‌ای وقتی از قطره‌های دیگر جدا باشد یک برگ را هم تر نمی‌کند یک

رابطه منافع ملی و امت واحده اسلامی با تأکید بر اندیشه امام خمینی □ ۲۳۱

قطره باران به قدر اینکه یک برگی را تر بکند نیست. اگر هم فرض کنید که میلیون‌ها قطره باشد، این قطره‌ها از هم جدا باشند، هیچ اتصالی با هم نداشته باشند، اگر چنانچه میلیاردها قطره وجود داشته باشد؛ و این‌ها قطره‌قطره باشند، باز کاری از آن‌ها نمی‌آید ... این جامعه ما هم همین‌طور است، یکی‌یکی افراد را حساب کنید، اگر صد میلیون یکی‌یکی باشد یعنی صد میلیونی باشد که هر کدام خودشانند، کاری به دیگری ندارند، این صد میلیون جمعیت هیچ کاری از آن‌ها نمی‌آید، هر کدام به اندازه خودشانند اما اتصال چون ندارند کار از آن‌ها نمی‌آید و مثل آن قطره‌ها می‌مانند که یک برگی را نمی‌توانست حرکت بدهد ... چه وقت ممکن است که مقصد یک جامعه‌ای جامه عمل به خودش ببوشد؟ آنوقت که ... این‌ها با هم تفاهم کنند و همه با هم مثل یک دریایی بشکنند با موج خودشان هر چی که در مقابلشان می‌آید. (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۲ / ۲۴۶)

این امت اسلامی و این ملت واحده باید باهم متحد باشند.

اسلام یک ملت واحده است؛ و ممالک اسلامی، مثل محله‌های یک شهر به هم نزدیک‌اند؛ و همه روی قواعد اسلامی موظف‌اند که با هم متحد باشند؛ و همه زیر پرچم توحید، متحدالکلمه با کسانی که برخلاف اسلام هستند، مقابله کنند و آن‌ها را هدایت کنند به اسلام و خودشان را حفظ کنند از شر آن‌ها. (همان: ۱۰ / ۱۳۲)

لازمه دفاع از منافع ملی و امت واحده اسلامی، اتحاد و هماهنگی است.

سفارش امام خطاب به تمام مسلمانان جهان از جمله ملت ایران برای رسیدن به وحدت که لازمه دفاع از منافع ملی خود و جهان اسلام هست می‌فرماید:

مسلمانان تمامی کشورهای جهان، از آنجاکه شما در سلطه بیگانگان گرفتار مرگ تدریجی شده‌اید، باید بر وحشت از مرگ غلبه کنید و از وجود جوانان پرشور و شهادت‌طلبی که حاضرند خطوط جبهه کفر را بشکنند استفاده نمایید. به فکر نگه‌داشتن وضع موجود نباشید، بلکه به فکر فرار از اسارت و رهایی از بردگی و یورش به دشمنان اسلام باشید که عزت و حیات در سایه مبارزه است؛ و اولین گام در مبارزه اراده است. (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۲۱ / ۸۲)

امام ادامه می‌دهد که:

معتقدین به اصول انقلاب اسلامی ما در سراسر جهان رو به فزونی نهاده است و ما این‌ها را سرمایه‌های بالقوه انقلاب خود تلقی می‌کنیم و هم آن‌هایی که با مرکب خون طومار حمایت از ما را امضا می‌کنند و با سر و جان دعوت انقلاب را لبیک می‌گویند و به یاری

خداوند کنترل همه جهان را به دست خواهند گرفت. امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار، و جنگ پابره‌نه‌ها و مرفهین بی‌درد شروع شده است؛ و من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان کوله‌بار مبارزه را بر دوش گرفته‌اند و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را نموده‌اند می‌بوسم و سلام و دروهای خالصانه خود را به همه غنچه‌های آزادی و کمال نثار می‌کنم. (همان: ۸۶ - ۸۵)

اضافه می‌نماید که:

جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد؛ و ما باید در جنگ اعتقادیمان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم. (همان: ۸۷)

۵. منافع ملی در اندیشه امام خمینی

امام به همان اندازه که بر وحدت امت اسلامی و امت واحده اسلامی تأکید می‌ورزد بر حفظ منافع ملی نیز تأکید. امام خمینی به‌عنوان معمار انقلاب و طراح جمهوری اسلامی ایران و درباره اهمیت منافع ملی می‌گوید: «کشور اسلامی ایران دارای یک مجلس که اعضای آن از طریق آرای عمومی مردم انتخاب خواهند شد، خواهد بود و تنها به احزاب و گروه‌هایی اجازه شرکت در انتخابات داده خواهد شد که به منافع ملی احترام بگذارند». (همان: ۵ / ۴۴۶) ما آزادی به همه مسالک و عقاید می‌دهیم لکن اگر بخواهند شورش کنند و مسیر ملت را تغییر دهند، دست ظالم را نگاه‌دارند، مجاز نخواهند بود. هر ملتی حق دارد منافع ملی و مذهب خود را حفظ کند از تعدیات آن‌ها، اگر تعدی نکنند ما تعدی نمی‌کنیم. (همان: ۵ / ۵۳۴) «مسئله حفظ نظام جمهوری اسلامی در این عصر و با این وضعی که در دنیا مشاهده می‌شود از اهم واجبات عقلی و شرعی است» (همان: ۵ / ۴۴۶) سیاست خارجی ایران با همه دول برحسب احترام متقابل است و هیچ فرقی بین دول در این باره نیست. (همان: ۵ / ۴۶۷) ... در تمام زمینه‌ها ما در جهت منافع مردم خود گام برمی‌داریم و با آنچه صلاح آنان و پاسخگوی آرمان اسلامی آنان باشد عمل می‌کنیم. (همان: ۴ / ۳۵۶)

امام ضمن تأکید بر این نکته که «مردم ایران ثابت کرده‌اند که تحمل گرسنگی و تشنگی را دارند، ولی تحمل شکست انقلاب و ضربه به اصول آن را هرگز نخواهند داشت». (همان: ۸۶) در پاسخ به پرسش خبرنگاری که پرسیده بود «آیا شما قراردادهایی را که با کشورهای خارجی امضا شده حفظ خواهید کرد؟» فرمودند: «... حکومت آینده آن‌ها را مجدداً مورد بررسی قرار می‌دهد و از آن‌ها، آنچه را با منافع و مصالح ملت ما موافق نباشد لغو می‌کند ولی ما در نوسازی کشور از همه امکاناتی که دولت‌های

۲۳۳ □ رابطه منافع ملی و امت واحده اسلامی با تأکید بر اندیشه امام خمینی

خارجی مایل باشند در اختیار ما بگذارند با حفظ آزادی و استقلال کشور براساس احترام متقابل از آن امکانات استفاده می‌کنیم و قراردادهایی منعقد می‌نماییم». (صحیفه: ۴ / ۳۵۷) برداشت از سخن امام به این صورت که «امام در این بیان جامع خود، ماهیت روابط بین‌المللی را منطبق بر مصالح و منافع ملی در حکومت دینی می‌داند به این معنا که مصالح و منافع ملی است که روابط بین‌المللی را در حکومت اسلامی شکل می‌بخشد. در این دیدگاه مصالح ملی، نوسازی کشور، آزادی و استقلال همیشه بر روابط خارجی حکومت اسلامی حاکم است». (سادات، ۱۳۸۷: ۱۲)

۶. دیدگاه امام خمینی درباره رابطه منافع ملی و امت واحده اسلامی

از نظر ایشان منافع ملی دولت اسلامی با منافع اسلام، مسلمانان و دیگر ملل محروم به هم وابسته است و در صورتی منافع ملت ایران حفظ می‌شود که منافع دیگر ملل اسلامی نیز حفظ شود. امام در همین باره می‌فرماید:

مسلمانان باید بدانند تا زمانی که تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار نشود، همیشه منافع بیگانگان بر منافع آنان مقدم می‌شود، و هرروز شیطان بزرگ یا شوروی به بهانه حفظ منافع خود حادثه‌ای را به وجود می‌آورند. راستی اگر مسلمانان مسائل خود را به صورت جدی با جهان‌خواران حل نکنند و لاقلاً خود را به مرز قدرت بزرگ جهان نرسانند، آسوده خواهند بود؟ هم‌اکنون اگر آمریکا یک کشور اسلامی را به بهانه حفظ منافع خویش با خاک یکسان کند، چه کسی جلوی او را خواهد گرفت؟ (همان: ۱۷ / ۲۱۳)

ایشان درباره ریشه تمام مشکلات و رفتاری‌های مسلمین و راه نجات آن‌ها می‌فرماید:

رفتاری‌های مسلمین همه از این قدرت‌های بزرگ و تزریق کردن آن‌ها و تلقین کردن آن‌ها به نوکرهای خودشان در منطقه‌ها و تمام گرفتاری‌هایی که مسلمین دارند از دست اینهاست، و تا از دست اینها نجات پیدا نکنند رفتاری‌ها رفع نمی‌شود. ... ما دست او را شکستیم و قطع کردیم و از کشور خودمان بیرونشان کردیم. (همان: ۱۷ / ۲۰۲ تا ۲۱۲)

راهکار امام خمینی علیه السلام برای حفظ منافع ملی کشورهای اسلامی این است که ابرقدرت‌ها در جهان اسلام منافع نداشته باشند. هزینه حضور آن‌ها در جهان اسلام از منفعت آن‌ها بیشتر باشد و این کار با از بین رفتن حکومت‌های وابسته به غرب امکان‌پذیر است باید از به قدرت رسیدن نیروهای غرب‌گرا در مجالس و دولت‌های کشورهای اسلامی جلوگیری کرد. در همین رابطه می‌گوید:

آمریکا می‌گوید که ما در منطقه منافع داریم! چرا باید او در منطقه ما منافع داشته باشد؟ چرا باید منافع مسلمین، منافع آمریکا باشد و او در منطقه منافع داشته باشد و

یکی سؤال نکنند این را؟ یکی از کشورها سؤال نکنند این را از آمریکا، که شما چکاره هستید که آمدید می‌خواهید مقدرات این منطقه را درست کنید؟ شما چکاره‌اید؟ شما چرا آمدید؟ همه این مجالسی که به دست خود این قدرتهای فاسد ایجاد شده هم ساکت نشستند با اینکه دخالت دولتی در دولت دیگر این مسائل عمومی دنیاست که نباید بشود. (همان: ۱۷ / ۲۰۲ تا ۲۱۲)

امام خمینی علیه السلام اصلی‌ترین ریشه این تفرقه و جلوگیری از ایجاد وحدت در بین امت اسلامی را قدرت‌های جهان‌خوار شرق و غرب می‌داند و دلیل آن‌ها برای این کار را دست‌اندازی، تسلط بر منابع و ذخایر بی‌پایان و منافع ملت‌های مسلمان می‌داند. «همانطور که می‌دانیم، در سده‌های اخیر، آتش‌افروز این معرکه خطرناک، قدرت‌های جهان‌خوار شرق و غرب می‌باشند که از وحدت بیش از یک میلیارد مسلمان وحشت دارند و تمام قوا، مستقیماً یا به دست عمال منحرف خود، به این اختلاف دامن می‌زنند تا بر مقدرات مسلمانان جهان مسلط و بر آن‌ها حکومت نموده و ذخایر بی‌پایان آنان را چپاول نمایند». (همان: ۱۹ / ۱۹۱)

امام در جای دیگری در رابطه منافع ملی ما و دیگر کشورها اسلامی و مسلمانان به صراحت می‌گوید:

امروز بدون شک سرنوشت همه امت‌ها و کشورهای اسلامی به سرنوشت ما در جنگ گره خورده است و جمهوری اسلامی ایران در مرحله‌ای است که پیروزی آن به حساب پیروزی هم مسلمانان و خدای ناخواسته شکست آن، به ناکامی و شکست و تحقیر همه مؤمنین می‌انجامد و رها کردن یک ملت و یک کشور و یک مکتب بزرگ در نیمه راه پیروزی، خیانت به آرمان بشریت و رسول خداست. (همان: ۲۰ / ۳۳۱)

بنابراین امام سرنوشت کشورهای اسلام، جهان اسلام و مسلمانان را به هم وابسته می‌داند که در صورت شکست و پایمال شدن منافع بخشی از جهان اسلام را موجب شکست و از بین رفتن منافع دیگر کشورهای اسلامی می‌داند مانند دومینویی که اگر یکی از آن‌ها سقوط کند موجب سقوط دیگران هم می‌شود.

۷. نتیجه‌گیری

در اسناد بالادستی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بارها بر دو اصطلاح منافع ملی و امت واحده تأکید شده است. رابطه بین منافع ملی و منافع جهان اسلام و امت واحده اسلامی چیست؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد:

۲۳۵ □ رابطه منافع ملی و امت واحده اسلامی با تأکید بر اندیشه امام خمینی

امام خمینی علیه السلام ضمن توجه به مرزهای ملی، منافع ملت ایران و حل مشکلات آن‌ها و ایجاد رفاه برای مردم ایران، به امت واحده اسلامی هم نظر دارد.

امام خمینی موفقیت و سربلندی نظام اسلامی و پیروزی و تداوم انقلاب را موجب سربلندی جهان اسلام و وحدت مسلمانان و تشکیل امت واحده اسلامی را تضمین‌کننده بلندمدت منافع ملی جمهوری اسلامی ایران می‌داند.

امام خمینی علیه السلام برخلاف نظریه ملی‌گرایی که از خدمت به وطن سخن می‌گوید، قائل به رابطه بین منافع ملی و اتحاد و وحدت امت اسلامی می‌باشد و ضمن توجه به مرزهای ملی، منافع ملت ایران، حل مشکلات آن‌ها و ایجاد رفاه برای مردم ایران، به امت واحده اسلامی اعتقاد داشته و در عین توجه به هر دو عرصه ملی و جهانی، متوجه رابطه دیالکتیک بین سرنوشت نظام اسلامی در ایران و جهان اسلام هست.

امام خمینی علیه السلام باور دارد پیروزی، تداوم، موفقیت و سربلندی نظام اسلامی، موجب سربلندی جهان اسلام است و وحدت مسلمانان و تشکیل امت واحده اسلامی را تضمین‌کننده بلندمدت منافع ملی جمهوری اسلامی ایران می‌داند.

امام خمینی علیه السلام قائل به طرحی جامع و منطبق بر اصول اسلامی است. این طرح جامع که همه صحبت‌های امام در تأیید آن می‌باشد هم‌زمان منافع و مصالح و امنیت ملی و جهان اسلام در عرصه جهانی را تأمین و تضمین می‌کند. این همان نظریه وجود رابطه بین منافع ملی و امت واحده اسلامی در اندیشه امام خمینی علیه السلام می‌باشد.

در رابطه با طرح امت واحده اسلامی و چگونگی تحقق آن و میزان پیشرفت آن در چهار دهه گذشته و نحوه رسیدن به مرحله کمال امت واحده اسلامی مورد نظر امام خمینی علیه السلام و ضرورت پرداختن به مباحث مربوط به آن باید در مقالات دیگری بحث شود.

۸. منابع و مآخذ

قرآن کریم.

۱. آقابخشی، علی و مینو افشاری‌راد، ۱۳۶۳، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران، نشر چاپار.
۲. احمدی، بابک، ۱۳۷۷، *معمای مدرنیته*، تهران، نشر مرکز.
۳. ارگانسکی، ای. اف. ک، ۱۳۵۵، *سیاست جهان*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴. امام خمینی، روح الله، ۱۳۸۴، *وصیت‌نامه سیاسی الهی امام خمینی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

۵. امام خمینی، روح الله، ۱۳۸۵، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۶. امام خمینی، روح الله، ۱۳۸۶، *شرح چهل حدیث*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۷. امام خمینی، روح الله، ۱۳۹۰، *ولایت فقیه*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۸. بازرگان، مهدی، ۱۳۶۱، *حکومت جهانی واحد*، تهران، نشر پیام آزادی.
۹. حقیقت، سید صادق، ۱۳۷۶، *مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی*، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۱۰. داوری، رضا، ۱۳۶۰، *ناسیونالیسم و انقلاب*، تهران، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۱۱. راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، *مفردات لالفاظ القرآن*، مصر، نشر الکتاب.
۱۲. روشندل، جلیل، ۱۳۹۴، *امنیت ملی و نظام بین‌الملل*، تهران، انتشارات سمت.
۱۳. سادات، محمد، ۱۳۷۷ «امام خمینی و روابط بین‌الملل»، *فصلنامه حکومت اسلامی*، دوره ۲۰، ش ۱۲.
۱۴. سریع القلم، محمود، ۱۳۷۲، *عقل و توسعه یافتگی*، تهران، نشر سفیر.
۱۵. سریع القلم، محمود، ۱۳۷۷، *سیر روش و پژوهش در روابط بین‌الملل*، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۶. سیاوشی، سوسن، ۱۳۸۷، *لیبرال ناسیونالیسم در ایران*، تهران، نشر باز.
۱۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۸، *ترجمه تفسیر المیزان*، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی.
۱۸. عنایت، حمید، ۱۳۷۲، *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر*، تهران، خوارزمی.
۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۴ ق، *کتاب العین*، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۲۰. فرهیخته، شمس‌الدین، ۱۳۷۷، *فرهنگ فرهیخته*، تهران، انتشارات زرین.
۲۱. قوام، عبدالعلی، «آنانومی تعاملات نظام سیاسی و منافع ملی»، *مجله سیاست خارجی*، دوره ۸، ش ۲ و ۱.
۲۲. گارده، لویی، ۱۳۵۲، *دین و امت*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۲۳. مساواتی، مجید، ۱۳۸۱، *مبانی جامعه‌شناسی*، تبریز، احرار.
۲۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۴، *خدمات متقابل ایران و اسلام*، تهران، انتشارات صدرا.
۲۵. معین، محمد، ۱۳۶۳، *فرهنگ معین*، تهران، انتشارات زرین.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۰، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

رابطه منافع ملی و امت واحده اسلامی با تأکید بر اندیشه امام خمینی □ ۲۳۷

۲۷. ملک افضلی، محسن، ۱۳۹۳، *آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، قم، نشر معارف.
۲۸. مورگینتا، هانس، جی، ۱۳۷۴، *سیاست میان ملت‌ها*، تهران، چاپ وزارت امور خارجه.
۲۹. نوروزی خیابانی، مهدی، ۱۳۷۰، *فرهنگ لغات و اصطلاحات (انگلیسی - فارسی)*، تهران، نشر نی.
۳۰. هالیستی، کی. جی، ۱۳۷۳، *مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل*، تهران، مؤسسه چاپ وزارت خارجه.
۳۱. هونتزینگر، ژاک، ۱۳۶۸، *درآمدی بر روابط بین‌الملل*، مشهد، استان قدس رضوی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی